یادداشت

دیوار کوتاه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

صالح غلام‌حیدری
کارشناس حقوق بین‌الملل

قدرت که افسار می‌گسلد، نخستین قربانیانش انسان‌ها هستند، اما نخستین متهمانش اغلب حقوق بین‌الملل و حقوق بشر. هر بار که جنگی رخ می‌دهد یا فاجعه‌ای انسانی وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند، موجی از تردید و سرخوردگی به راه می‌افتد و این پرسش بار دیگر تکرار می‌شود که اگر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر وجود دارند، پس چرا جهان همچنان شاهد جنگ، اشغال، کشتار و آوارگی است؟ پرسشی که در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما در دل خود یک سوءتفاهم بزرگ را پنهان کرده است؛ خلط میان نقض قواعد و بی‌اعتباری آنها.

در این میان، حقوق بشر بیش از سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل هدف انتقاد قرار می‌گیرد. شاید به این دلیل که برای افکار عمومی آشناتر است و بیش از سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل در معرض دید قرار دارد. هنگامی که کودکی در جنگ کشته می‌شود یا جمعیتی از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم می‌شوند، بسیاری این وضعیت را نه نشانه نقض حقوق بشر، بلکه دلیلی بر بی‌اعتباری آن تلقی می‌کنند. حال آنکه میان «نقض یک قاعده» و «بی‌اعتباری آن قاعده» تفاوتی اساسی وجود دارد.

واقعیت این است که حقوق بشر بخشی از منظومه بزرگ‌تری به نام حقوق بین‌الملل است؛ منظومه‌ای که اساسا برای تنظیم رفتار دولت‌ها در شرایطی طراحی شده که منافع سیاسی، امنیتی و نظامی در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. انتظار اینکه وجود قواعد حقوقی به تنهایی مانع وقوع تمامی جنگ‌ها و جنایت‌ها شود، انتظاری است که از هیچ نظام حقوقی دیگری نیز وجود ندارد. همان‌گونه که وجود قوانین کیفری به معنای پایان‌یافتن جرم نیست، وجود قواعد بین‌المللی نیز به معنای پایان‌یافتن جنگ و نقض حقوق بشر نخواهد بود.

اشتباه رایج آن است که ناکامی دولت‌ها در رعایت قواعد حقوق بین‌الملل به حساب خود حقوق بین‌الملل نوشته می‌شود؛ در حالی که بسیاری از بحران‌های معاصر دقیقا ناشی از بی‌اعتنایی بازیگران بین‌المللی به همین قواعد هستند. وقتی اصل منع توسل به زور نادیده گرفته می‌شود، وقتی تعهدات حقوق بشردوستانه زیر پا گذاشته می‌شود و هنگامی که ملاحظات سیاسی بر اجرای عدالت بین‌المللی غلبه می‌کند، مشکل در فقدان قاعده نیست؛ مشکل در فقدان اراده برای اجرای آن است.

شاید هیچ حوزه‌ای به اندازه حقوق بین‌الملل قربانی موفقیت خود نشده باشد. امروزه حتی شدیدترین منتقدان آن نیز برای محکوم‌کردن جنگ‌ها، اشغال سرزمین‌ها، حملات علیه غیرنظامیان یا نقض کرامت انسانی، ناگزیر از مفاهیم و ادبیات حقوق بین‌المللی استفاده می‌کنند. اعتراض به جنایت جنگی، مطالبه پاسخ‌گویی دولت‌ها، دفاع از حقوق قربانیان و حتی انتقاد از نهادهای بین‌المللی، همگی در چارچوبی صورت می‌گیرد که حقوق بین‌الملل طی دهه‌ها ایجاد کرده است.

البته هیچ‌کس نمی‌تواند منکر ضعف‌های موجود شود؛ استانداردهای دوگانه، گزینشی عمل‌کردن برخی نهادها، تأثیر قدرت سیاسی بر فرایندهای بین‌المللی و ناتوانی در واکنش مؤثر به برخی بحران‌ها، واقعیت‌هایی انکارناپذیر هستند. بااین‌حال، نقد این کاستی‌ها با نفی اصل حقوق بین‌الملل تفاوت دارد. اگر دادگاهی رأی ناعادلانه صادر کند، راه‌حل انکار مفهوم عدالت نیست. به همین ترتیب، اگر قواعد بین‌المللی به درستی اجرا نشوند، پاسخ منطقی کنارگذاشتن حقوق بین‌الملل نخواهد بود.

شاید بتوان گفت حقوق بین‌الملل و حقوق بشر به دیوار کوتاهی تبدیل شده‌اند که پس از هر بحران، نخستین ضربه‌ها متوجه آنها می‌شود. بااین‌حال، باید به خاطر داشت که فرو ریختن این دیوار، هیچ محدودیتی برای قدرت ایجاد نخواهد کرد؛ برعکس، جهان بدون حقوق بین‌الملل جهانی خواهد بود که در آن قدرت، بیش از پیش جایگزین حق می‌شود. مسئله امروز نه وجود حقوق بین‌الملل، بلکه فاصله میان قواعد حقوقی و اراده سیاسی دولت‌ها برای احترام به آنهاست؛ فاصله‌ای که نباید به پای خود حقوق بین‌الملل نوشته شود.

معمای خزر در روزهای جنگ

ادامه از صفحه ۲

از این رو، هرگونه همکاری که بتواند بخشی از این نیازها را برطرف کند، مورد توجه آنان قرار می‌گیرد. افزون بر این، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و ایجاد مسیرهایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فناوری غرب نیز از جمله عواملی است که می‌تواند روابط این کشورها با اسرائیل را تقویت کند.

در چنین شرایطی، گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فناورانه، علمی و حتی امنیتی میان این کشورها و اسرائیل قابل انتظار به نظر می‌رسد. از دیدگاه این دولت‌ها، چنین روابطی در چارچوب منافع ملی تعریف و بر همین اساس پیگیری می‌شود. در برابر این مناسبات رو به رشد شرق و غرب خزر با اسرائیل، منازعه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل حتما عامل تعیین‌کننده‌ای در تنظیم روابط این کشورهای ساحلی خزر با اسرائیل محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، کشورهای منطقه در درجه نخست بر اساس ارزیابی خود از منافع و نیازهای ملی تصمیم‌گیری می‌کنند و روابط خارجی خود را بر همان اساس سامان می‌دهند. از این رو، اختلاف‌ها و تنش‌ها در میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل اگرچه می‌تواند یکی از متغیرهای محیطی مؤثر در خزر باشد، اما عامل اصلی یا تعیین‌کننده در شکل‌گیری و گسترش روابط کشورهای قفقاز و آسیای میانه با اسرائیل به شمار نمی‌رود.

باز هم از منظر دیگر بپرسم که جنگ اوکراین موجب شد اهمیت مسیرهای جایگزین انرژی و ترانزیت برای اروپا و آسیا افزایش یابد. از سوی دیگر، جنگ اخیر ایران و آمریکا نیز بار دیگر اهمیت کریدورهای منطقه‌ای را برجسته کرد. آیا می‌توان گفت رژیم حقوقی دریای خزر دیگر صرفا یک مسئله حقوقی نیست و علاوه بر منازعه ژئوپلیتیکی، این رژیم حقوقی به طور مستقیم با رقابت بر سر کریدورهای انرژی، تجارت و ترانزیت گره خورده است؟ اگر چنین است، اصلا تهران در میانه محاصره دریایی توسط ترامپ، با رژیم حقوقی دریای خزر به دنبال جایگزین در خلیج فارس و دریای عمان است؟

ایران کشوری است که از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی، به‌ویژه در بیش از سه دهه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، از ظرفیت‌ها و دسترسی‌های بسیار قابل توجهی برخوردار بوده است؛ ظرفیت‌هایی که متأسفانه به‌گونه‌ای شایسته و متناسب با اهمیت آنها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. با وجود جایگاه جغرافیایی ممتاز ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب منطقه، در این سال‌ها شاهد اقدام‌های کافی برای بهره‌برداری از این برتری‌های استثنایی ژئوپلیتیکی نبوده‌ایم. امروز می‌بینید ارمنستان ایده «چهارراه صلح» را مطرح می‌کند؛ کشوری که از نظر ظرفیت‌ها و امکانات جغرافیایی به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با جمهوری اسلامی ایران نیست، اما در تلاش است از موقعیت ترانزیتی و ژئوپلیتیکی خود بهره ببرد. این در حالی است که ایران در بیش از سه دهه گذشته، فرصت‌ها و موقعیت‌های فراوانی برای توسعه زیرساخت‌ها، تقویت شبکه‌های ارتباطی و ایجاد مسیرهای حمل‌ونقل در اختیار داشته است؛ مسیرهایی که می‌توانستند زمینه‌ساز گسترش روابط سازنده با کشورهای منطقه و جامعه جهانی شوند. با این حال، این ظرفیت‌ها آن‌گونه که باید مورد توجه و سرمایه‌گذاری لازم قرار نگرفتند. در شرایط کنونی و هم‌زمان با افزایش فشارها از مناطق جنوبی در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و تشدید محدودیت‌هایی که از دیدگاه برخی تحلیل‌ها در چارچوب سیاست‌های آمریکا علیه ایران دنبال می‌شود، توجه به مناطق شمالی و به‌ویژه حوزه دریای خزر و قفقاز، به‌عنوان یکی از گزینه‌ها برای گسترش دسترسی‌های منطقه‌ای، قابل انتظار و طبیعی به نظر می‌رسد. با این حال، این رویکرد بیش از آنکه حاصل یک برنامه‌ریزی بلندمدت باشد، تا حدی واکنشی و اضطراری به نظر می‌رسد.

تجربه نشان داده است هرگاه فشارهای خارجی بر جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته و کشور امکان دستیابی به نوعی موازنه‌گرایی در روابط خارجی خود را از دست داده، ظرفیت ایران برای تنظیم روابط متوازن با بازیگران مختلف بین‌المللی نیز محدودتر شده است

با وجود این، باید توجه داشت جایگزین‌کردن مسیرها و ظرفیت‌هایی که در دهه‌ها در جنوب کشور برای ارتباط با اقتصاد جهانی و شبکه‌های تجارت بین‌المللی شکل گرفته‌اند، دست‌کم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چندان قابل تصور نیست. زیرساخت‌های ارتباطی، تجاری و پشتیبانی که در این مناطق ایجاد شده‌اند، نتیجه ده‌ها سال سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری پیوندهای اقتصادی و سیاسی هستند و جایگزینی آنها نیازمند زمان، منابع و شرایط مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی است. از سوی دیگر، ایران در این حوزه با رقبایی نیز روبه‌رو است که هریک منافع و ملاحظات ویژه خود را دنبال می‌کنند. در میان این بازیگران، روسیه جایگاه مهمی دارد. این کشور نیز اهداف و برآورد ژئوپلیتیکی مشخصی در منطقه دارد و تمایلی ندارد ایران بتواند تمام ظرفیت‌های جغرافیایی خود را به شکلی مستقل و متناسب با موقعیت ممتازش در سطح منطقه به کار بگیرد. از این رو، رقابت‌ها و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای نیز یکی از عوامل مؤثر بر میزان بهره‌برداری ایران از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی خود به شمار می‌رود. در مجموع، به نظر می‌رسد استفاده مؤثر از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیازمند تنش‌زدایی در روابط خارجی، برنامه‌ریزی بلندمدت، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و ایجاد شرایطی است که کشور بتواند از برتری‌های طبیعی و جغرافیایی خود برای تأمین منافع ملی بهره‌برداری مؤثرتری داشته باشد.

نگرانی عمده به‌خصوص روسیه و ایران در قالب احتمال حضور ناتو در خزر را چگونه می‌بینید؟ چون یکی از اصول مهم کنوانسیون خزر، ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای غیرساحلی در این دریاست. با توجه به تشدید رقابت روسیه و غرب پس از جنگ اوکراین و تلاش آمریکا برای افزایش نفوذ در قفقاز جنوبی، آیا این اصل در سال‌های آینده با چالش‌های تازه‌ای مواجه خواهد شد؟ و آیا کشورهای ساحلی همچنان بر حفظ این اصل اجماع دارند؟

تلاشی که همواره از سوی جمهوری اسلامی ایران دنبال شده، بر این مبنا استوار بوده که حوزه دریای خزر به‌عنوان محیطی غیرنظامی، بستری برای تعامل سازنده، همکاری‌های منطقه‌ای و تأمین منافع مشترک کشورهای ساحلی باشد. بااین‌حال، به نظر می‌رسد تحولات سال‌های اخیر موجب شده است تحقق این رویکرد با چالش‌هایی جدی روبه‌رو شود. به‌ویژه پس از جنگ سال ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان و ارمنستان، جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ و همچنین جنگ‌های سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل و ایالات متحده، فضای امنیتی منطقه به شکل محسوسی تشدید شده است. در چنین شرایطی، به نظر نمی‌رسد حوزه دریای خزر از روند کلی امنیتی‌شدن و نظامی‌شدن محیط پیرامونی خود در امان بماند. از سوی دیگر، روسیه به دلیل برخورداری از موقعیت برتر در این منطقه، چه از نظر دسترسی‌های جغرافیایی و چه به واسطه میراث به‌جامانده از اتحاد شوروی، همچنان مهم‌ترین بازیگر نظامی و امنیتی دریای خزر محسوب می‌شود. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای که روسیه در دهه‌های پس از فروپاشی شوروی در توسعه بنادر، زیرساخت‌ها و توانمندی‌های دریایی خود در این حوزه انجام داده، بر این برتری افزوده است.

در چنین فضایی به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی ایران بتواند به تنهایی روند امنیتی‌شدن این منطقه را متوقف کرده یا سیاست سنتی خود مبنی بر جلوگیری از نظامی‌شدن دریای خزر را اجرائی کند. این مسئله از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دریای خزر در کنار چالش‌های ژئوپلیتیکی، با مشکلات گسترده زیست‌محیطی نیز روبه‌رو است. وضعیت محیط زیست این پهنه آبی در سال‌های گذشته پیوسته رو به وخامت داشته است. گزارش‌های منتشرشده در این زمینه، ابعاد نگران‌کننده‌ای از تخریب اکوسیستم و کاهش سطح آب را نشان می‌دهند. ازاین‌رو، تشدید رقابت‌های امنیتی می‌تواند توجه به مسائل زیست‌محیطی و همکاری‌های ضروری در این حوزه را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد روند کلی تحولات به سمت امنیتی‌تر و نظامی‌تر شدن فضای دریای خزر در حرکت باشد؛ روندی که از تشدید رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های همکاری منطقه‌ای نیز با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد. علاوه بر این، کشورهای ساحلی دریای خزر، ازجمله ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، هر یک اهداف، اولویت‌ها و سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کنند که با ملاحظات و منافع جمهوری اسلامی ایران همسو نیست. این کشورها در چارچوب راهبردهای ملی خود تلاش می‌کنند از حمایت و همکاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ازجمله آمریکا و اسرائیل بهره‌مند شوند. چنین روندی نه‌تنها رقابت‌های ژئوپلیتیکی را به حوزه دریای خزر منتقل می‌کند، بلکه می‌تواند به تشدید و تعمیق این رقابت‌ها نیز بینجامد. در نتیجه، دریای خزر بیش از گذشته تحت تأثیر معادلات امنیتی و رقابت‌های قدرت قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در آینده نیز این روند، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده تحولات این منطقه خواهد بود.

برخی تحلیلگران معتقدند جنگ اوکراین باعث افزایش وابستگی راهبردی روسیه به شرکای غیرغربی خود، از جمله ایران، شده است. البته جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران هم سبب وابستگی بیشتر تهران به مسکو شد. در چنین شرایطی، آیا تهران می‌تواند از این وضعیت برای تثبیت یا تقویت جایگاه خود در معادلات خزر بهره بگیرد یا آنکه تحولات جدید ممکن است زمینه‌ساز مطالبات و رقابت‌های تازه در این حوزه شود؟

به نظر نمی‌رسد که با توجه به سرشت و ابعاد کنونی روابط ایران و روسیه، ابزارها و ظرفیت‌های چندانی برای چانه‌زنی مؤثر در اختیار جمهوری اسلامی ایران باشد. در شرایطی متفاوت می‌توانستیم تصور کنیم که ایران از روابط متوازن‌تری با قدرت‌های غربی، ازجمله آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار باشد و از این روابط به‌عنوان اهرمی برای تنظیم مناسبات خود با روسیه بهره بگیرد. در چنین وضعیتی، امکان ورود به فرایندهای چانه‌زنی و کسب امتیاز برای تأمین بهتر منافع ملی فراهم‌تر بود. اما با در نظر گرفتن شرایط کنونی، چنین ظرفیتی در اختیار ایران نیست. مجموعه تحولاتی که به‌ویژه در پی شرایط جنگی و تنش‌های اخیر پیرامون کشور شکل گرفته‌اند، موجب شده‌اند نیازهای متقابل ایران و روسیه نسبت به یکدیگر افزایش یابد. از یک سو روسیه در برخی حوزه‌ها به همکاری با ایران نیازمند است و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز در شرایط فعلی به حمایت‌ها و همکاری‌های روسیه توجه ویژه‌ای دارد. این وابستگی‌های متقابل، به‌جای افزایش قدرت چانه‌زنی، تا حدی دامنه حرکت دو طرف را محدود کرده است.

ازاین‌رو به نظر نمی‌رسد در شرایط موجود فضای گسترده‌ای برای طرح امتیازهای درخور توجه یا اعمال فشار مؤثر در روابط دوجانبه وجود داشته باشد. در مقابل، آنچه می‌توانست ظرفیت بیشتری برای تأمین منافع ایران فراهم آورد، بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در چارچوب یک سیاست موازنه‌گرایانه و تنظیم روابط متوازن با قدرت‌های مختلف جهانی بود. ژئوپلیتیک ایران به‌گونه‌ای است که امکان برقراری روابط متوازن با بازیگران گوناگون بین‌المللی را فراهم می‌کند. در صورت تحقق چنین رویکردی، کشور می‌توانست از این ظرفیت برای تنظیم روابط سازنده‌تر و متوازن‌تر با روسیه نیز استفاده کند. در چنین شرایطی، روابط با روسیه نه از موضع نیاز، بلکه در چارچوب موازنه‌ای گسترده‌تر و براساس برآوردهای دقیق‌تر منافع ملی سامان می‌یافت.

برای سؤال آخر، منتقدان معتقدند بررسی لایحه رژیم حقوقی دریای خزر در شرایطی انجام می‌شود که منطقه درگیر تحولات کم‌سابقه‌ای از جنگ اوکراین تا جنگ مستقیم ایران و آمریکاست و هنوز چشم‌انداز نظم امنیتی جدید در اوراسیا مشخص نیست. از این منظر، آیا زمان‌بندی کنونی برای نهایی‌کردن برخی تصمیمات حقوقی درباره خزر مناسب است یا باید منتظر تثبیت معادلات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی ماند؟

تجربه نشان داده است هرگاه فشارهای خارجی بر جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته و کشور امکان دستیابی به نوعی موازنه‌گرایی در روابط خارجی خود را از دست داده، ظرفیت ایران برای تنظیم روابط متوازن با بازیگران مختلف بین‌المللی نیز محدودتر شده است. در چنین شرایطی، اگر امکان برقراری روابطی متعادل و متوازن با مجموعه‌ای از قدرت‌های مؤثر جهانی فراهم نباشد، به‌طور طبیعی زمینه برای افزایش قدرت حرکت و امتیازگیری رقبای منطقه‌ای ایران نیز فراهم خواهد شد؛ روندی که می‌تواند در حوزه دریای خزر نیز خود را نشان دهد.

همان‌گونه که در دیگر مناطق پیرامونی ایران در سال‌های گذشته مشاهده شده، تشدید فشارهای بین‌المللی، با افزایش تحرک‌ها و مطالبات بازیگران رقیب در محیط منطقه‌ای همراه بوده است. این فشارها گاه در قالب اقدام‌های یک‌جانبه از سوی برخی قدرت‌ها و گاه در چارچوب سازوکارهای چندجانبه و نهادهای بین‌المللی اعمال شده‌اند. در شرایط کنونی نیز از منظر این تحلیل، کشور هم‌زمان با انواع مختلفی از فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی مواجه بوده که آثار آنها بر محیط پیرامونی ایران نیز قابل مشاهده است.

براساس تجربه‌های گذشته، هرچه دامنه این فشارها گسترده‌تر شود، احتمال افزایش مطالبات، فشارها و رقابت‌های منطقه‌ای نیز بیشتر خواهد شد. در چنین فضایی، رقبای منطقه‌ای تلاش می‌کنند از محدودیت‌های موجود برای ارتقای موقعیت خود و گسترش نفوذشان بهره‌برداری کنند. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، ایران برای تنظیم روابط منطقه‌ای و پیشبرد اهداف خود با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو باشد. از این دیدگاه، هرگونه تلاش برای افزایش ظرفیت‌های موازنه‌گرایانه در سیاست خارجی و گسترش دامنه روابط بین‌المللی، می‌تواند در تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران و کاهش آثار فشارهای خارجی نقش مهمی داشته باشد.

تلاشی که همواره از سوی جمهوری اسلامی ایران دنبال شده، بر این مبنا استوار بوده که حوزه دریای خزر به‌عنوان محیطی غیرنظامی، بستری برای تعامل سازنده، همکاری‌های منطقه‌ای و تأمین منافع مشترک کشورهای ساحلی باشد. بااین‌حال، به نظر می‌رسد تحولات سال‌های اخیر موجب شده است که تحقق این رویکرد با چالش‌هایی جدی روبه‌رو شود

جدول ۵۳۳۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- قصد و اراده- ویزا- مجموعه‌ای از سازهای کوبه‌ای که بیشتر در موسیقی پاپ به کار می‌رود ۲- پرنده‌ای لذیذگوشت- از نام‌های خداوند در قرآن ۳- بیرون‌شده- برف آذری- شانه‌به‌سر ۴- طبیعت- دعاهای زیر لب- ضمیر متکلم وحده ۵- خوشحال- شیرینی‌فروش ۶- قاب- شهری در استان یزد- استفراغ ۷- ترمیم پارگی پارچه- سردخانه خانگی- فیلمی ساخته رسول ملاقلی‌پور ۸- کوه آتشفشانی ایتالیا- نوعی اسلحه کمری- شهرهای عرب ۹- درختی با چوب بسیار سخت- شغلی ندارد- بی‌شرم و حیا ۱۰- مرغابی- مأمور گشت- قطعه شعر انتقادی معروف پروین اعتصامی ۱۱- خرامان- اساس ۱۲- بهره وام- شکلی هندسی- رمانی عاشقانه نوشته فهیمه رحیمی ۱۳- حلقه بین پیچ و مهره- صوت اندوه- خاندان رسول اکرم(ص) ۱۴- قهرمان فیلم نوستالژیک تاراج با نقش‌آفرینی جمشید هاشم‌پور- چراغ پیه‌سوز ۱۵- بی‌نظیر- شور و غوغا- بله انگلیسی

عمودی:

۱- بدزبان و دشنام‌گو- کلمه پرسشی- سعادت و خوشبختی ۲- خط منشور کوروش- حقه‌باز و فریبکار- از واحدهای ذخیره‌سازی اطلاعات در کامپیوتر ۳- فریاد مهیب- لوله باریک در ساقه گیاه- برای بهترشدن طعم غذا اضافه می‌شود ۴- شهری در استان کرمانشاه- شیره درخت- واحد شمارش قطار ۵- جار می‌زند- فراخ- به نفع او ۶- پاسخ مثبت- آخرین- پشت سرهم‌بودن کاری ۷- وارونه‌اش خوب نیست- از آیین‌های کهن مردم خراسان که نمادی از مقاومت در برابر حمله مغول‌هاست- تخم کتان ۸- سنگی زینتی- شیمی کربن- قطع‌کردن ۹- واحد پول هنگ‌کنگ- به شیوه پادشاهان- مجرای خون ۱۰- از سبک‌های شعری ادبیات ایران- رشوه‌دهنده- کلمه پرسش ۱۱- بله روسی- دم گوسفند- پاورقی ۱۲- تقویت امواج الکتریکی- سخنور- از القاب امام علی(ع) ۱۳- کمک‌رسانی- دریاچه‌ای زیبا در کلاردشت- خاخام ۱۴- وطن- قصیده‌سرای عهد قاجار- فناوری اطلاعات ۱۵- محبوس- متعصب غیرمنطقی- شجاع

حل سودوکو ۴۳۲۷

۲	۹	۳	۴	۸	۷	۵	۶	۱
۶	۷	۱	۹	۵	۲	۴	۸	۳
۴	۵	۸	۱	۶	۳	۹	۲	۷
۱	۳	۴	۶	۹	۸	۲	۷	۵
۵	۶	۹	۷	۲	۴	۳	۱	۸
۷	۸	۲	۵	۳	۱	۶	۹	۴
۳	۱	۵	۲	۷	۶	۸	۴	۹
۸	۲	۷	۳	۴	۹	۱	۵	۶
۹	۴	۶	۸	۱	۵	۷	۳	۲

۸	۴	۲	۹	۵	۱	۶	۳	۷
۱	۳	۷	۴	۶	۲	۸	۵	۹
۵	۹	۶	۳	۷	۸	۴	۱	۲
۲	۱	۸	۶	۴	۳	۷	۹	۵
۷	۵	۳	۸	۲	۹	۱	۶	۴
۴	۶	۹	۵	۱	۷	۲	۸	۳
۳	۸	۴	۷	۹	۶	۵	۲	۱
۶	۷	۱	۲	۳	۵	۹	۴	۸
۹	۲	۵	۱	۸	۴	۳	۷	۶

حل جدول ۵۳۳۱

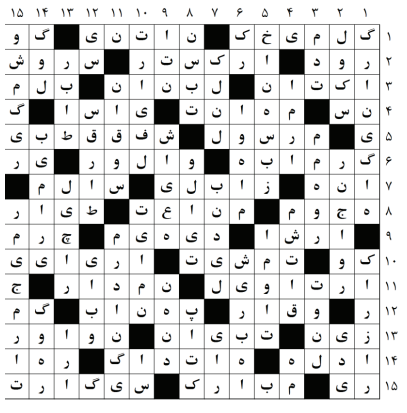

سودوکو سخت ۴۳۲۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸				۴				
۶		۴	۳		۸			۲
	۵				۶	۹		
۲	۸					۶		
		۹				۲		
		۶					۹	۷
		۲	۵				۷	
۷			۲		۱	۵		۳
				۷				۱

سودوکو ساده ۴۳۲۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۳		۴	۹		۷	
۱		۹		۵				
			۸		۷			
	۱	۵	۳				۶	۹
۲		۶				۷		۸
۸	۹				۶	۳	۲	
			۶		۸			
				۹		۸		۶
	۶		۴	۳		۲		